

اعتبار گواهی زن در قرآن و واکاوی حکمت های آن

مأئده صحبتلو^۱

چکیده

مسئله اعتبار گواهی زن در قرآن کریم از مباحث مهم در حوزه فقه و مطالعات قرآنی است که تامل در آیات الهی، ابعاد معرفتی، اجتماعی و اخلاقی آن را روشن می سازد. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-تفسیری به تحلیل موضع آیات قرآن، به ویژه آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره، در خصوص اشتراط شهادت دو زن به جای یک مرد در امور مالی می پردازد. در نهایت، این تحقیق نتیجه می گیرد که هر چند مبانی این حکم در ظاهر تفکیک جنسیت را نشان می دهد، اما حکمت آن ریشه در عدالت نظام مند قرآن برای تامین مصالح اجتماعی و تضمین وثوق و اطمینان در اثبات حق دارد و هیچ گونه تضعیفی برای جایگاه زن در مدار تکلیف و تشویق الهی محسوب نمی شود. این مقاله همچنین به حکمت های شهادت زن پرداخته است.

کلیدواژه: اعتبار، شاهد، شهادت، گواهی

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها، ایمیل maeedehshbtlo@gmail.com

مقدمه

آیات قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع تشریع در اسلام، همواره کانون توجه مفسران، فقها و حقوق دانان در استنباط احکام فردی و اجتماعی بوده است. در این میان، آیات مربوط به شهادت و گواهی، به ویژه گواهی زنان، از دیرباز مورد بحث و تأمل گسترده قرار گرفته است. آیه ای که به صراحت به این موضوع میپردازد، آیه ۲۸۲ سوره بقره است که در مقام بیان احکام مربوط به دین و قراردادهای مالی، میفرماید: «...وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...». این آیه شریفه، به عنوان سنگ بنای اصلی بحث، اصل اعتبار گواهی زن را در نظام حقوقی اسلام به رسمیت میشناسد، اما شرایطی را برای آن مقرر می دارد که متفاوت از گواهی مردان است.

این تفاوت، که در نگاه اول ممکن است چالشی برانگیز به نظر رسد، در حقیقت دریچه ای به سوی حکمت های عمیق تربیتی و اجتماعی قرآن گشوده است. این پژوهش بر آن است تا با عبور از خوانش های سطحی و گاه متعصبانه، به واکاوی ژرفکاوانه این حکمت ها بپردازد. پرسش محوری این است که آیا این تفاوت، ناشی از نادیده انگاشتن شأن زن است یا برعکس، ناشی از درک دقیق قرآن از کارکردهای متفاوت و تکاملی زن و مرد در ساختار خانواده و جامعه و در راستای حفظ کرامت هر دو جنس است؟

برخی از مفسران، حکمت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» را به حوزه حافظه و اطمینان از صحت نقل وقایع محدود کرده اند. اما به نظر می رسد این تنها سطحی از یک حقیقت عمیق تر است. از منظر روانشناختی، زنان به دلیل مسئولیت خطیر تربیت نسل و مدیریت عواطف در کانون خانواده، از قدرت شهود و درک جزئیات رفتاری بالاتری برخوردارند؛ اما در مقابل، ممکن است در برخی مواقف، تحت تأثیر شدت عواطف، نقل عینی واقعه ای خاص با چالش مواجه شود. بنابراین، حضور دو زن، نه برای تحقیر، بلکه برای ایجاد تعادل روانی-عاطفی و تضمین هرچه بیشتر صحت گواهی است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده های قرآنی و روانشناختی، در پی تبیین این فرضیه است که احکام قرآن در مورد گواهی زن، نه تنها نافی اعتبار او نیست، بلکه نشان دهنده تدبیر حکیمانه شارع برای استفاده بهینه از استعداد های خاص هر جنس در مسیر تحقق عدالت است.

پیشینه های مرتبط با مقاله حاضر موارد ذیل است :

1- مقاله گستره گواهی و شهادت زن در اسلام نوشته سید محمد صدری و خدیجه صادقی موحد. در این مقاله، سعی شده کنکاشی در خصوص اصل شهادت زنان و مصادیق پذیرش آن صورت گیرد و به اعتبار گواهی زن در قرآن اشاره نشده است.

۲- مقاله نگاهی به دیدگاه های مفسران در مورد گواهی (شهادت) زنان در قرآن به نگارش احمدرضا حسن خانی. آنچه در این نوشتار دنبال می شود، ارائه و تحلیل نظرات مفسران و صاحب نظران اسلامی در خصوص علت و فلسفه تفاوت گواهی زن و مرد است. در این مقاله به اعتبار گواهی زنان در قرآن و حکمت های آن اشاره نشده است.

3- مقاله بررسی ارزش شهادت زن در قوانین به نگارش حسین مهرپور. یکی از مسائل مطروحه در بحث شهادت، نقش جنسیت در اعتبار شهادت است ؛ یعنی آیا زن یا مرد بودن تاثیری در شهادت دارد یا خیر؟ در مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران تفاوت هایی در اعتبار شهادت زن نسبت به شهادت مرد وجود دارد که نگارنده در این مقاله به نقد و بررسی آن مقررات و نیز مبنای فقهی آن پرداخته است. در این مقاله به اعتبار گواهی زن در قرآن اشاره نشده است.

۴- مقاله گواهی زنان نوشته سید حسین هاشمی. این نوشتار در نگاهی کلی به تبیین شبهات پیرامون شهادت زنان و پاسخگویی به آنان اهتمام داشته است. در این مقاله به اعتبار گواهی زن در قرآن اشاره نشده است.

۵- مقاله واکاوی آیات و روایات ادله اثباتی شهادت زن نوشته مصطفی ملکی و نفیسه حاتم پوری. این تحقیق به بررسی تفاوت های جنسیتی در مقررات کیفری قانون مجازات اسلامی ایران، با تمرکز بر بحث شهادت می پردازد. در این مقاله به اعتبار گواهی زن در قرآن اشاره نشده است.

۶- مقاله بررسی ارزش اثباتی شهادت زن و حکمت های آن نوشته حسین هوشمند فیروز آبادی و علی محمدی جورکویه. در این مقاله ابتدا به تبیین مفهوم شهادت، تمایز آن از عناوین مشابه و بررسی ماهیت آن از حیث حق یا تکلیف بودن اداء شهادت پرداخته شده است. در این مقاله به اعتبار گواهی زن در قرآن اشاره نشده است.

۱- مفهوم شناسی

این بخش از مقاله، به مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی کلمات اعتبار، شاهد، شهادت و گواهی اختصاص دارد.

۱-۱- مفهوم شناسی اعتبار

اعتبار در لغت (در آدمی) به معنای ۱. ویچور، هنگ، ارزش، آبرو، ۲. در اندیشه فرورفتن، ۳. پند گرفتن، ۴. نیک انگاشتن، ۵. آزمودن می باشد.^۱

اعتبار در تجارت به معنای ورسنگ، بودمندی، ارج می باشد.^۲

اعتبار در لغت به معنای پند گرفتن، به اندیشه فروشدن، عبرت گرفتن، آبرو، ارزش، قدر، منزلت، اعتماد، اطمینان، راستی و درستی می باشد.^۳

اعتبار از ریشه (عبر) در اصل به معنای نفوذ و گذشتن است^۴، و اعتبار در معنای تفکر و پند گرفتن به کار رفته است.^۵

اعتبار در اصطلاح یک مفهوم چند بعدی است که به طور کلی به معنای قابلیت اعتماد، شایستگی یا ارزش یک شخص، سازمان یا اطلاعات می باشد.^۶

۲-۱- مفهوم شناسی شاهد

شاهد در لغت به معنای حاضر، مقیم، اداء شهادت کننده و گواه است.^۷

شاهد در لغت به معنای گواه، شاهد، کسی که گواهی می دهد، می باشد.^۸

شاهد در اصطلاح به معنای کسی است که امری یا واقعه‌ای را به چشم خود دیده باشد و گواهی بدهد.

۹

۱. پرتو، واژه یاب، ج ۱، ص ۱۶۸

۲. همان

۳. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۶۷

۴. فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ص ۳۹۰

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۷

۶. سایت لغت یاب به آدرس logatyab.ir تاریخ مراجعه ۱۴۰۴/۸/۲۷

۷. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، ۱۰۱۱

۸. انیس، منتصر، الصواحی، خلف احمد، فرهنگ معجم الوسیط، ج ۱، ص ۱۰۶۰

۹. سایت واژه یاب به آدرس vajehyab.com تاریخ مراجعه ۱۴۰۴/۸/۲۷

۳-۱- مفهوم شناسی شهادت

شهادت در لغت به معنای ۱. گواکی (فرهنگ پهلوی)، ۲. گواهی دادن، ۳. آگاهی رسا، ۴. کشته شدن در راه خدا می باشد.^۱

شهادت در لغت عربی به معنای استشهاد فی سبیل الله است.^۲

شهادت در لغت به معنای خبر قطعی، سوگند، جان دادن در راه خدا، دنیا و محل زندگی حاضر در مقابل عالم غیب، حاضر شدن مردم، گواهی، اقرار و رضایت نامه است.^۳

شهادت در لغت به معنای گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا و شهید گردیدن است.^۴

شهادت در اصطلاح به معنای بیان کردن آنچه به چشم دیده شده در نزد حاکم و قاضی می باشد.^۵

۴-۱- مفهوم شناسی گواهی

گواهی در لغت به معنای شهادت و گواه بودن است.^۶

گواهی دادن در لغت به معنای شهادت دادن است.^۷

گواهی در لغت به معنای شهادت، افاده و تصریح می باشد.^۸

گواهی در اصطلاح به معنای شهادت دادن است.^۹

۱. پرتو، واژه یاب، ج ۲، ص ۹۸۴

۲. کسرائی، قاموس، ص ۳۲۵

۳. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، ص ۱۰۱۱

۴. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۹۶۵

۵. سایت vajehyab.com تاریخی مراجعه ۱۴۰۴/۸/۲۷

۶. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۴۹۹

۷. همان، ص ۱۴۹۹

۸. کسرائی، قاموس، ص ۴۲۵

۹. سایت vajehyab.com تاریخ مراجعه ۱۴۰۴/۸/۲۷

فسوق "به معنای خارج شدن از اطاعت است، و کلمه "رهن" به معنای مالی است که به گرو گیرند، و به جای آن، کلمه "رهن" (به ضمه راء و ضمه هاء) نیز قرائت شده، و "رهن" جمع "رهن" است که آن نیز به معنای مالی است که به گرو گیرند.

و در جمله: "فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا" می توانست بفرماید: "فان كان سفيها"، چون ضمیر "كان" به "الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ" که در سابق آمده بود بر می گشت، و حاجت به تکرار آن نبود، و اگر آن را تکرار کرده برای این بوده که اشتباهی پیش نیاید، و کسی خیال نکند مرجع ضمیر، کلمه "کاتب" است، که آن نیز در سابق ذکر شده بود. و ضمیر "هو" که در جمله "أَنْ يُمَلَّ هُوَ" آشکارا آمده، با اینکه ممکن بود مستتر و در تقدیر بیاید، یعنی بفرماید: "أَنْ يَمَلَّ"، برای این است که ولی سفیه و دیوانه و بی سواد را با خود آنان در املا شرکت دهد، چون این فرضیه با دو فرضیه قبلی فرق دارد، در آن دو فرض بدهکار خودش مستقلا مسئول بود، و اما در این صورت بدهکار با سرپرستش در عمل شریک است، پس گویا فرموده است: هر قدر از عمل املا را می تواند انجام بدهد، و آنچه را نمی تواند بر ولی او است که انجام دهد. در جمله: "أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا" کلمه "حذر مبادا" در تقدیر است، و معنایش این است که: "تا مبادا یکی از آن دو فراموش کند"، و در جمله "إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى"، دوباره کلمه "احدیهما" ذکر شده، و این به آن جهت است که معنای آن در دو مورد مختلف است: منظور از اولی یکی از آن دو نفر است، بدون تعیین، و منظور از دومی یکی از آن دو نفر است بعد از فراموش کردن دیگری، و یا به عبارت دیگر آن کسی است که فراموش نکرده، پس معنای این کلمه در دو مورد مختلف است، و گرنه دومی را ذکر نمی کرد و به ضمیر آن اکتفاء می نمود. و منظور از کلمه: "و اتقوا" این است که مسلمانان از خدا بترسند و اوامر و نواهی ذکر شده در این آیه را به کار ببندند، و اما جمله: "وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" کلامی است نو، که در مقام منت نهادن ذکر شده، هم چنان که در آیه ارث منت نهاده می فرماید: "يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ الْكَافِرَاتِ" پس مراد از جمله مورد بحث، منت نهادن بر مردم در مقابل این نعمت است که شرایع دین و مسائل حلال و حرام را برای آنان بیان فرموده. استفاده نادرستی که از جمله "إِتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ" شده است و اینکه بعضی گفته اند: جمله "و اتقوا الله" و "يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ" دلالت دارد بر اینکه تقوا سبب تعلیم الهی است، درست نیست، برای اینکه هر چند مطلب صحیح است، و به حکم کتاب و سنت، تقوا سبب تعلیم الهی است، اما آیه مورد بحث در صدد بیان این جهت نیست، برای اینکه واو عطفی که بر سر آن آمده، نمی گذارد آیه چنین دلالتی داشته باشد، علاوه بر اینکه این معنا با سیاق آیه و ارتباط ذیل آن با صدرش سازگار نیست. مؤید گفتار ما این است که کلمه "الله" دو بار تکرار شده، و اگر جمله مورد بحث، کلامی جدید نبود حاجت به تکرار کلمه "الله" نبود، بلکه سیاق و سبک کلام اقتضا می کرد بفرماید: "و اتقوا و الله يعلمکم"

از خدا بترسید تا تعلیمتان دهد" پس می‌بینیم اسم "الله" را دو بار آورده، برای اینکه در دو کلام مستقل می‌باشد، و برای بار سوم نیز ذکر کرده تا علت را برساند، و بفهماند خدا که شما را تعلیم می‌دهد به این جهت است که او به هر چیزی دانا است، و اگر او به هر چیزی دانا است، برای این است که الله است.^۱

حکمت‌ها :

۱. تفاوت در خلقت

در بسیاری از حقوق اسلامی، مرد و زن با هم تفاوت‌هایی دارند. مثلاً اگر مردی مرتد شود، با شرایطی حکم او قتل است ولی اگر زنی مرتد شود حکم او قتل نیست یا اسلام وظایفی را بر دوش مرد قرار داده که بر عهده زن قرار نداده است و یا وظایفی برای زنان مقرر شده که بر مردان مقرر نشده است. دلیل این تفاوت‌ها، متفاوت بودن مکانیسم خلقی زن و مرد است؛ زیرا روحيات و اخلاق زن و مرد یکسان نیست. بر این اساس توقعی که خداوند از زن دارد با توقعی که از مرد دارد یکی نیست. خداوند زن را برای امری خلق کرده و مرد را برای هدف دیگری آفریده است. این دو گرچه از یک جنس هستند، اما هرگز با هم مساوی نیستند. بنابراین عدالت می‌گوید که وظایف و تکالیف آنان هم یکسان نباشد، چراکه اگر یکسان باشد خلاف عدالت پروردگار است.

۲. رفع مسئولیت

از نظر اسلام بحث اداء شهادت و اطلاع‌رسانی به قاضی، هرگز به منزله یک امتیاز نیست، بلکه یک وظیفه و تکلیف و مسئولیت است. یعنی برای این که حقوق دیگران پایمال نگردد، اسلام این وظیفه را بر عهده انسان‌هایی که از موارد اختلاف بین افراد اطلاع دقیق دارند، قرار داده است تا در حضور قاضی واقعیت را بیان کنند و به آن شهادت بدهند. به همین جهت قرآن کتمان شهادت را حرام اعلام نموده است. پس باید توجه داشت که شهادت دادن یک وظیفه و مسئولیت است و نه یک حق؛ پس اگر شهادت برخی از افراد در دادگاه پذیرفته نشود، یا کمتر پذیرفته شود، گویای سهل‌تر بودن تکلیف و مسئولیت آنان است نه تضييع حقوق آنها!

۳. شرایط خاص

همان‌طور که گفته شد، شهادت دادن با خلقت و روحيات و نقش مرد و زن، ارتباط مستقیم داشته و ربطی به نقص یکی و کمال دیگری ندارد؛ زیرا در بعضی موارد که شهادت مربوط به مسائل خاص، صرفاً زن و یا صرفاً مرد حق شهادت دادن دارد. بنابراین همه این قوانین بر پایه حکمت و هماهنگی بین نظام

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۶۷

تشریع (احکام الهی) با نظام تکوینی (حقایق جهان) بنا نهاده شده است. نظام تشریع (احکام الهی) نیز اگر برگرفته، منطبق و هماهنگ با نظام تکوینی (حقایق جهان) نباشد، فاقد ارزش است.

۴_ اعضا و جوارح

زن و مرد در تمامی اعضا و جوارح با یکدیگر اختلاف دارند؛ رویش مو در بدن زن و مرد، چربی زیر پوست، بافت‌ها، ظرافت و ضخامت پوست، شکل و وزن حجمی استخوان‌ها، مقدار مواد آلی و کانی در استخوان‌ها، درشتی عضلات، زور بازو، شکل هندسی و حجم و وزن مغز، وزن قلب، ضربان نبض و.... خلاصه این که همه چیز در زن و مرد حتی در یک تار مو متفاوت است.

۵_ احساسات، عواطف، تمایلات و اخلاق

طبق نظر روانشناسان، محبت، رفتار انفعالی، رفتار عاطفی و حمایت‌کننده، از ویژگی‌های زنانه است. همچنین داشتن دلی پر مهر و عاطفه و احساساتی آتشین، جلوه‌گری، دلربایی، علاقه به پارچه و لباس و طلا و امور زینتی نیز از خصایص زنان است. علاوه بر این می‌توان گفت که زن در تقلید، مدپرستی، تجمل‌پرستی، خنده و گریه از مرد جلوتر است. در برابر این امور، پرخاشگری، استقلال، رقابت، سلطه و حاکمیت را از ویژگی‌های مردان بر شمرده‌اند.

۶_ حضور در جامعه

در وقایع و رخداد‌های کوچه و بازار، مردان بیشتر از زنان دست‌اندر کار هستند و بیشتر و بهتر در معرض اطلاع هستند. فرض کنیم در خیابان دو نفر با هم دعوا می‌کنند و با چوب و چاقو و سنگ به جان یکدیگر افتاده‌اند. پس از چند دقیقه مردان اطراف آنان را گرفته و آنان را از یکدیگر جدا می‌کنند. اینجا اگر قتلی یا جراحتی واقع شد مردان چون شاهد و ناظر بوده‌اند بهتر می‌توانند شهادت دهند، زیرا در این گونه وقایع زنان اصلاً حضور ندارند و اگر حضور داشته باشند خود را کنار می‌کشند یا مردان آنان را به عقب می‌رانند. از این‌رو پذیرفتن شهادت مردان و نپذیرفتن شهادت یک زن، یک مسئله طبیعی است!^۱

۱. حسن خانی، نگاهی به دیدگاه مفسران در مورد گواهی زنان در قرآن، ص ۱۰-۶

نتیجه گیری

1. اعتبار در لغت به معنای ویچور، هنگ، ارزش، آبرو، در اندیشه فرورفتن، پند گرفتن، نیک انگاشتن، آزمودن، بودمندی، ارج، عبرت گرفتن اعتماد، قدر، منزلت و در اصطلاح به معنای قابلیت اعتماد یا ارزش می باشد.
2. شاهد در لغت به معنای حاضر، مقیم، شهادت دهنده می باشد و در اصطلاح به معنای کسی است که اتفاقی را می بیند و گواهی می دهد.
3. شهادت در لغت به معنای گواهی دادن، اقرار و در جای دیگر به معنای کشته شدن در راه خدا می باشد.
4. گواهی در لغت به معنای شهادت و گواه بودن است.
5. در آیات ۱۰۶ سوره مائده، ۲ سوره طلاق، ۱۵ سوره نساء، ۴ سوره نور و ۲۸۲ سوره بقره به شهادت زن و میزان ارزش آن و هم چنین حکمت نابرابری آن پرداخته شده است.
6. حکمت های نابرابری اعتبار گواهی زن و مرد در قرآن عبارتند از : تفاوت در خلقت، رفع مسئولیت، شرایط خاص، اعضا و جوارح، احساسات، عواطف، تمایلات و اخلاق، حضور در جامعه.
7. در این مقاله به بررسی اعتبار گواهی زن در قرآن و واکاوی حکمت های آن پرداخته شده و این امر در تفاسیر مورد بررسی واقع شده است.

منابع

۱- قرآن کریم

۱. احمد بن فارس بن زکری، ابوالحسین، علی عسکری، سعیدرضا، مسجدی، حیدر؛ **معجم مقاییس اللغة**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ششم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۲. انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ الصوالحی، عطیه، خلف احمد، محمد؛ (مترجم: بندر ریگی، محمد)، **فرهنگ معجم الوسیط**، تهران: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳. پرتو، ابوالقاسم، **واژه یاب**، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۴. حسن خانی، احمد رضا، **نگاهی به دیدگاه های مفسران در مورد گواهی زنان در قرآن**، پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۰ ه.ش، شماره ۶۱
۵. سیاح، احمد، **فرهنگ بزرگ جامع نوین**، تهران: انتشارات اسلام، جلد دوم، چاپ پانزدهم، ۱۳۱۱ ه.ش.
۶. طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، (ترجمه: امیری شادمهری، احمد)، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۸. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۸ ه.ق.
۹. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۰. قمی مشهدی، محمد رضا، **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**، قم: دار الغدیر، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۱. کسرائی، شاکر، **قاموس**، بیروت: دارالعربیه للموسوعات، ۱۴۳۵ ه.ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ه.ش.
۱۳. معین، محمد، **فرهنگ معین**، تهران: آدنا، کتاب راه نو، جلد اول، ۱۳۲۱ ه.ش.
۱۴. سایت لغت یاب، به نشانی loghatyab.ir
۱۵. سایت واژه یاب، به نشانی vajehyab.com